

چالش‌های امنیت قضایی و راهکارهای حل آن با تأکید بر «اصل حاکمیت قانون» از منظر فقه و حقوق*

محمدعلی حاجی‌ده‌آبادی**

محمد جواد صمیمی***

چکیده

امنیت قضایی یکی از حقوق اساسی شهروندان در فرایند دادرسی کیفری است که به معنای صیانت از حقوق افراد در فرایند دادرسی و دسترسی آنان به عدالت است. امنیت قضایی در دو سطح عینی و ذهنی تجلی می‌یابد؛ سطح عینی به معنای عدم وجود هرگونه مانع و تهدید عملی در دستیابی به وضعیت یاد شده است و سطح ذهنی به معنای نداشتن احساس هرگونه خوفی از دست نیافتن به حقوق خود در فرایند دادرسی است که ناشی از تضمینات قانونی، از جمله «اصل حاکمیت قانون» است. از این رو چالش‌های امنیت قضایی مواردی همچون عوامل سیاسی، حقوقی، قضایی و اجتماعی هستند که تحقق امنیت قضایی را در دو بُعد عینی و ذهنی با مانع جدی روبه‌رو ساخته و شهروندان را از این حق اساسی محروم می‌سازند. این مقاله درصدد است تا با تبیین این چالش‌ها، راهکارهای حل آن را با تمرکز بر منابع فقهی و حقوقی و با تأکید بر اصل حاکمیت قانون ارائه دهد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد راهکارهایی همچون استقلال قضایی، نظارت بر عملکرد قضات و دستگاه قضایی، قابل دسترس بودن محاکم و به خصوص اصل حاکمیت قانون نقش ویژه‌ای در رفع این چالش‌ها دارد.

کلید واژه‌ها: امنیت قضایی، چالش‌ها و راهکارها، اصل حاکمیت قانون، فقه، حقوق ایران.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۰۱ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۰۹ - نوع مقاله: علمی، پژوهشی.
** دانشیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه قم و مدیر گروه حقوق مجتمع عالی علوم انسانی جامعه المصطفی (ma.hajidehabadi@qom.ac.ir). قم، ایران
*** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، مجتمع عالی علوم انسانی جامعه المصطفی (samimijavad1359@gmail.com). قم، ایران

امنیت قضایی به عنوان یک اصل حقوقی، از ابعاد امنیت اجتماعی و از مفاهیم اساسی در نظام‌های دنیاست که اساس توسعه اجتماعی محسوب می‌گردد، زیرا انسان تنها در پرتو آن می‌تواند امور مادی و معنوی خویش را با آسایش خاطر سامان دهد. امنیت قضایی دارای دو معنای موسع و مضیق می‌باشد. معنای موسع، در بُعد ماهوی شامل همه شهروندان و در بُعد شکلی، افراد دخیل در فرایند دادرسی را در بر می‌گیرد، اما معنای مضیق، فقط شامل افراد دخیل در فرایند دادرسی است. از سوی دیگر، امنیت قضایی را می‌توان در دو مفهوم ایجابی و سلبی مورد مطالعه قرارداد؛ در مفهوم سلبی تمرکز بر شفاف بودن رابطه شهروندان و قدرت عمومی است، یعنی قدرتی که بازدارنده هرگونه ظلم در جامعه می‌باشد. در این مفهوم، امنیت قضایی رابطه وثیقی با آزادی‌های فردی دارد و از طریق اصل حاکمیت قانون و تبیین صلاحیت نهادهای عمومی، این آزادی‌ها تضمین می‌شود. در این جنبه از امنیت قضایی، تأکید بر حفظ امنیت قضایی کنشگران حاضر در فرایند دادرسی است، اما امنیت قضایی در معنای ایجابی را می‌توان در مفهوم دسترسی به عدالت خلاصه کرد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰: ۱۰۱ و ۱۱۵)، یعنی هنگامی که حقوق افراد مورد تعرض قرار می‌گیرد، نظام قضایی باید امکان دسترسی به عدالت را برای همگان ممکن سازد.

بنابراین، منظور از امنیت قضایی، فراهم کردن سازوکار برای تأمین امنیت شهروندان است، به گونه‌ای که همه افراد، نسبت به حفظ منافع مادی و معنوی خود احساس آرامش خاطر داشته باشند، که این امر با عملکرد درست دستگاه قضایی و رعایت حقوق اصحاب دعوا در فرایند مختلف دادرسی (حاج‌زاده، ۱۳۹۵: شماره ۳۳/۶۷) و با توجه به اصل حاکمیت قانون، تحصیل می‌شود.

بنابراین، پرسش اصلی این پژوهش این است که چالش‌های امنیت قضایی و راهکارهای حل آن با تأکید بر اصل حاکمیت قانون از منظر فقه و حقوق چیست؟ برای دستیابی به پاسخ این سؤال، سعی نگارنده بر این است که با نگاه توصیفی و تحلیلی به موضوع و با استفاده از شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای، چالش‌های امنیت



قضایی و راهکارهای حل آن از دیدگاه فقهی و حقوقی، بررسی شود. با مطالعاتی که انجام شد، فرضیه‌های این پژوهش این است که محاکم با عملکرد نادرست و برخورد نابهنگام با متجاوزین و عدم حاکمیت قانون، باعث از بین رفتن امنیت قضایی کنشگران حاضر در فرایند دادرسی گردیده و امنیت قضایی شهروندان را با چالش جدی مواجه می‌سازند، اما یکی از مهم‌ترین سازوکارهای حل چالش‌های یاد شده، پذیرش «اصل حاکمیت قانون» است که خود، مفهومی انتزاعی است و از بررسی وضعیت عملکرد دستگاه قضایی و مجموعه قوانین و فرایندهای حاکم بر نظام دادرسی هر کشور، قابل درک است. حاصل این وضعیت، اطمینان خاطری است که شهروندان از نبود هرگونه تهدید در مقام رسیدگی قضایی، داشته و خود را در حمایت قانون می‌بینند. با وجود این، در مقام عمل، این مهم با چالش‌های مهم سیاسی، حقوقی و قضایی مواجه است.

پیشینه پژوهش: پیشینه‌ای خاص در خصوص پژوهش حاضر، وجود ندارد، زیرا این موضوع جدیداً در حقوق کیفری مطرح گردیده که نیازمند پژوهش است. اگر چه روش‌های نظری و عملی دادرسی‌ها، نقشی قابل توجه در تحقق امنیت قضایی مردم داشته است، با وجود این، تحقیقات اندکی که در این مورد انجام شده، تمام ابعاد آن را مورد بررسی قرار نداده است؛ البته این بدان معنا نیست که فقیهان و حقوق‌دانان، نسبت به این امر بی‌تفاوت بوده‌اند. اصطلاحات به کار رفته در منابع فقهی، نشان از توجه ویژه به این امر دارد، چنان که برخی، قضاوت را داوری عادلانه بین اصحاب دعوی دانسته (بروجری، ۱۴۲۹: ۷/۳۰) و عده‌ای امنیت قضایی را نماد دادگستری عادلانه تلقی نموده‌اند. (بحرانی، ۱۴۲۶: ۲۷۰)

از این گونه بیانات، امنیت قضایی قابل استظهار است، لذا با بررسی منابع فقهی متوجه می‌شویم که اندیشمندان، به امنیت قضایی افراد، به صورت پراکنده و بدون انتظام بخشی، توجه داشته‌اند، ولی شدیداً نیاز به معادل‌سازی و تنظیم دارد. بنابراین، در این پژوهش سعی شده است مفاهیم جدید حقوقی مربوط به امنیت قضایی را در منابع فقهی عرضه نموده و از تعابیر فقها، معادل آن مفاهیم جدید را ایجاد کرد. به این بیان که فقها در متون فقهی، در بعضی موارد برای تعریف «قضاوت» مطالبی را



مطرح نموده‌اند که از آن می‌شود، تعریف امنیت قضایی را استظهار نمود. در مواردی هم به اصول دادرسی عادلانه اشاره نموده‌اند که از آن‌ها، سازوکارهای ناظر بر تأمین امنیت قضایی را می‌توان استخراج کرد.

بنابراین، پیشینه پژوهش می‌توان را به دو دسته تقسیم‌بندی نمود؛ در دسته اول، تعدادی مقاله در زمینه امنیت قضایی تدوین یافته که به تبیین مفهوم آن، پرداخته است و در دسته دوم، یک کتاب تألیف شده است، که در آن به امنیت قضایی از منظر قانون ایران و رویه دیوان اروپایی حقوق بشر (جزایری، ۱۳۹۴) پرداخته شده است. یک پایان‌نامه نیز در همین دسته تدوین یافته که در آن، تضمینات عام امنیت قضایی از منظر قوانین شکلی ایران و افغانستان مورد بررسی قرار گرفته است، اما به صورت خاص در مورد این پژوهش، پرداخته نشده است. پس می‌توان ادعا نمود که پژوهش حاضر، جدید بوده و تاکنون سابقه نداشته است. از این‌رو، نگارنده، با نگاهی به منابع فقهی و حقوقی به صورت تطبیقی، به بررسی چالش‌ها و عوامل پدیدآیی آن‌ها به منظور ارائه راهکارهای اساسی در مواجهه با آن‌ها با تأکید بر اصل حاکمیت قانون از منظر فقه و حقوق ایران، پرداخته است.

۱. مفهوم و مبانی امنیت قضایی

شناخت ابعاد امنیت قضایی، منوط به تبیین مفهوم و مستندات آن است. از این‌رو، در این بخش از تحقیق، مفهوم و مبانی امنیت قضایی، مورد بررسی قرار گرفته است.

۱.۱. مفهوم امنیت قضایی

«امنیت قضایی»، مرکب از دو واژه «امنیت و قضاء» است. تعریف حقیقی واژه ترکیبی، در فقه و حقوق، از راه جنس و فصل ممکن نیست، بلکه تعریف آن به عنوان یک مفهوم اعتباری و قراردادی ممکن است، زیرا مفاهیم اعتباری و انتزاعی، با تبیین اجزای آن، قابل تعریف است. از این‌رو، درک مفهوم امنیت قضایی، در پرتو تبیین مفهوم «امنیت» و «قضاء»، امکان‌پذیر است.

«امنیت» از نظر لغوی، به معنای در امان بودن است. (محمد معین، ۱۳۸۷: ۱۶۱) در قرآن، واژه «آمن و آمان» به معنای اطمینان قلب دانسته شده (بقره: ۲۵ و ۲۸۳) و



در زبان انگلیسی به معنایی اطمینان خاطر آمده است. (Ali-Mantari Leners, 2003: p.320)

در اصطلاح، اندیشمندان تعاریفی را برای امنیت ذکر نموده‌اند که همه ریشه در معنای لغوی آن دارد. از دیدگاه فقهی، امنیت به معنای اطمینان خاطر نسبت به حفظ دین، جان، مال و ناموس (العتیبی، ۱۴۲۷: ۱۴۶) در برابر هر گونه تهدید است. (A group of graduates, 2014: P.4)

از منظر حقوقی، امنیت به معنای فقدان تهدید نسبت به ارزش‌ها و نبود خطر نسبت به حقوق شهروندان است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۱/۶۴۱) امنیت دارای انواع مختلفی است؛ از یک منظر امنیت به «عینی» و «ذهنی» تقسیم می‌شود. عموماً امنیت را در تهدید نکردن تعریف کرده‌اند که امری عینی است، اما نباید از بُعد ذهنی امنیت غافل ماند و آن اینکه امنیت وقتی وجود دارد که احساس کنیم تهدیدی در کار نیست. (اخوان‌کاظمی، ۱۳۸۶: شماره ۷۵/۱۳)

از منظر موضوع، امنیت به فردی، اجتماعی، ملی و بین‌المللی تقسیم می‌شود. در این میان، بحث امنیت قضایی به عنوان یکی از ابعاد امنیت اجتماعی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، زیرا برقراری امنیت در اجتماع، نیازمند دستگاه قضایی نیرومند است (همان: ۳۵) که بتواند با توجه به اصل حاکمیت قانون و اجرای عادلانه آن، امنیت قضایی را به وجود آورد.

«قضاء» در لغت به معنای داوری کردن است (معین، ۱۳۸۷: ۷۹۹) و در اصطلاح، فقها به پیروی از معنای لغوی، واژه قضا را به معنای داوری عادلانه جهت فصل خصومت دانسته‌اند. (فیاض، بی‌تا: ۳/۲۳۳) این معنا در قرآن، در داستان قضاوت حضرت داوود این گونه ذکر شده که خداوند به ایشان توانایی داوری عادلانه را عطا کرد (ص: ۲۰)^۱ و به او دستور داد که در میان مردم به حق قضاوت کند. (ص:

۱. «وَ آتَيْنَاهُ الْحُكْمَ وَ فَضَّلَ الْخِطَابَ».



۲۶) این آیات بیانگر آن است که دادرسی باید عادلانه باشد، زیرا عدالت قضایی از مؤلفه‌های مهم تحقق امنیت قضایی به شمار می‌آید.

بنابراین، امنیت قضایی مفهومی مرکب از واژه «امنیت» و «قضاء» و متضمن حقوق اساسی افراد جامعه است؛ امنیت قضایی را می‌توان وضعیت و حالتی دانست که افراد جامعه نسبت به اینکه در رسیدگی‌های قضایی، حقوق آن‌ها از تجاوز دیگران، در امان خواهد ماند. از این رو، از نظر اصطلاحی، امنیت قضایی در سطوح متفاوتی معنا پیدا می‌کند. در ساحت عینی، این مهم با فقدان تهدید در برابر ارزش-های کسب شده مانند حق حیات، که قانون برای انسان به رسمیت شناخته است، معنا می‌یابد.

در ساحت ذهنی، مهم فقدان ترس علیه ارزش‌های یاد شده است که مستلزم تهدیدزدایی علیه ارزش‌ها با اصلاح و اقناع دیدگاه‌های افراد جامعه امکان‌پذیر می‌باشد. پس، در اصطلاح، «امنیت قضایی» به معنای دادرسی عادلانه‌ای است که مایه آرامش خاطر مردم دانسته شده است. از این رو، طبق بند ۱۴ اصل ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تأمین امنیت قضایی شهروندان، یکی از اهداف مهم دستگاه قضایی هر کشور به شمار آمده و از حقوق مسلم مردم دانسته شده است.

۲. رابطه امنیت قضایی با عدالت قضایی

رابطه میان امنیت قضایی و عدالت قضایی، در پرتو تبیین مفهوم آن دو قابل درک است. چنان که پیش‌تر بیان شد، امنیت قضایی حالتی است که در آن کلیه حقوق مادی و معنوی اشخاص در حمایت قانون و مصون از تعرض باشد. عدالت قضایی عبارت از آن است که کلیه افراد و اشخاص جامعه بدون تبعیض‌های ناشی از وضعیت طبقاتی یا موقعیت اجتماعی به طور یکسان از خدمات قضایی استفاده کنند. (اسدی، ۱۳۸۹: ۳ و ۴)

۱. «فَأَحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ».

با توجه به تعاریف فوق، روشن می‌گردد که رابطه وثیقی میان عدالت و امنیت قضایی وجود دارد؛ یعنی اجرای عدالت قضایی از الزامات بنیادین دستیابی به امنیت قضایی است، زیرا اجرای عدالت قضایی، شیوه پایدار برای حل منازعه در فرایند رسیدگی قضایی و موجب تأمین امنیت قضایی است. (کاظمی، ۱۳۹۶: ۱۴۵) چنان که خداوند فرمود: «میان مردم بر محور حق و عدالت داوری کنید» (نساء: ۵۸). بنابراین، عدالت قضایی به عنوان مقدمه تحقق امنیت قضایی است، زیرا عدالت قضایی از ابعاد عدالت اجتماعی بوده و در راستای حمایت از حقوق شهروندان، نقش مؤثری ایفا کرده و در نهایت باعث تحقق امنیت قضایی برای مردم خواهد شد. از این رو، میان امنیت قضایی و عدالت قضایی، ارتباط تنگاتنگی وجود دارد، زیرا تحقق امنیت قضایی، مبتنی بر عدالت قضایی و دادرسی منصفانه است.

۳. عناصر امنیت قضایی

منظور از عناصر، مؤلفه‌های تشکیل دهنده امنیت قضایی است که در بعد عینی و ذهنی، قابل طرح است.

۳.۱. عناصر امنیت قضایی در بُعد عینی

به لحاظ عینی امنیت قضایی با وجود عناصر ذیل محقق خواهد شد:

۳.۱.۱. تشکیل دادگاه‌های مورد نیاز شهروندان

یکی از عناصر تحقق امنیت قضایی در بُعد عینی، تشکیل دادگاه‌های مورد نیاز شهروندان است، زیرا اگر در کشوری مراجع قضایی کم باشد، دسترسی به آن‌ها به سهولت امکان‌پذیر نیست و در نتیجه شهروندان احساس ناامنی خواهند کرد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰: ۳۴) از این رو، برای اینکه امنیت قضایی محقق شود، تشکیلات قضایی، باید از سوی حاکمیت تأمین گردد تا به پرونده‌های افراد با دقت و به‌هنگام رسیدگی شود.



۲. ۱. ۳. اصل حاکمیت قانون

منظور از اصل حاکمیت قانون، لزوم عمل به مقررات قانونی است. حاکمیت قانون مانند اصول دیگر همچون اصل تفکیک قوا، با هدف کنترل قدرت مطرح شده است. برای اینکه از استبداد قوا جلوگیری به عمل آید و از طرف دیگر برای اینکه آزادی مطلق مردم که موجب زیان جامعه است، کنترل گردد، وضع قوانین و حاکمیت آن در جامعه لازم است. (خلخالی، ۱۴۲۲: ۵۵۰) بنابراین، اصل حاکمیت قانون، یکی از عناصری است که وجود آن موجب تحقق امنیت قضایی می‌شود و عدم آن به عدم وجود امنیت قضایی می‌انجامد، زیرا حاکمیت قانون، سبب می‌شود که حقوق مادی و معنوی افراد از تعدی مصون مانده و در نتیجه از امنیت قضایی بهره‌مند گردند.

۳. ۱. ۳. توسعه قضایی

منظور از توسعه قضایی این است که نظام قضایی بتواند به اهداف و آرمان‌هایی که فلسفه وجودی نظام قضایی را در جامعه مشخص می‌کند به حد مطلوب برسد. (سایت وکلای قوه قضائیه، ۱۷/۳/۱۴۰۰) به این معنا که دستگاه قضایی در ابعاد مختلف توسعه یافته و پاسخگوی نیازمندی‌های افراد جامعه باشد.

۲. ۳. عناصر امنیت قضایی در بعد ذهنی

امنیت قضایی در بعد ذهنی، ناظر بر احساسی است که در کنشگران واقعه مجرمانه، نسبت به این مهم وجود دارد. (علینقی، ۱۳۷۹: شماره ۱۰/ ۵۰)

عناصر امنیت قضایی در بعد ذهنی، به شرح ذیل است:

۱. ۲. ۳. نبود تبعیض در فرایند رسیدگی

یکی از عناصر تحقق امنیت قضایی، نبود تبعیض در فرایند رسیدگی قضایی است (آیین دادرسی کیفری ایران، ۱۳۹۲: ۹۳)، به این معنا که محاکم در رسیدگی‌های قضایی، با عنایت به اصل حاکمیت قانون، عدالت را رعایت نموده و بین افراد، از جهت موقعیت اجتماعی، سیاسی، مذهبی و نژادی، تفاوت قائل نشود.

۲.۲.۳. آگاهی افراد جامعه نسبت به حقوق خود

آگاهی افراد جامعه نسبت به حقوق خود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰: ۳۳) یکی دیگر از عناصر امنیت قضایی محسوب می‌گردد، زیرا افراد آگاه بهتر می‌توانند در پیشگاه محکمه از حقوق خود دفاع نمایند. بنابراین، دستگاه حاکمیت ملزم است که زمینه آگاهی یافتن افراد جامعه را نسبت به حقوق‌شان فراهم نماید.

۳.۲.۳. اعتماد عمومی نسبت به دستگاه قضا

اعتماد عمومی نسبت به دستگاه قضا وقتی حاصل می‌شود که در جامعه امنیت قضایی وجود داشته باشد، یعنی افراد در رسیدگی قضایی نسبت به حفظ حقوق خودشان، احساس آرامش داشته باشند.

۴. مبانی فقهی و حقوقی امنیت قضایی

«مبنا» در لغت به معنای پایه و اساس و در اصطلاح فقهی به معنای گزاره‌ها و اطلاعاتی است که از قرآن، روایات و عقل حاصل شده است و مبانی محکم در زمینه‌های مختلف علم قانون به شمار می‌رود. (طباطبایی، ۱۴۲۹: ۱۲/۲۲؛ حاجی ده‌آبادی، ۱۳۷۷: ۴۷) این تعریف ناظر بر جنبه مستند بودن مبانی می‌باشد. (شیخ صدوق، ۱۴۱۵: ۴) بنابراین، در پژوهش حاضر، منظور از مبانی، مجموعه گزاره‌ها و مستندات ارزشی فقهی و حقوقی هستند که مستند امنیت قضایی افراد قرار گرفته و ضرورت تحقق آن را آشکار می‌سازند. بر اساس این مستندات، امنیت قضایی به عنوان یک اصل بنیادین حقوقی و راهبردی، برای انسان‌ها ضروری به شمار می‌آید، زیرا ماهیت وجودی سایر حقوق افراد بر پایه آن مستندات استوار بوده و در نهایت موجب تحقق امنیت قضایی افراد خواهد شد، زیرا فهم مبانی امنیت قضایی برای فهم چالش‌ها و ارائه راهکارهای حل آن، کمک می‌کند.

بر این اساس، گزاره‌های فقهی، حقوقی و عقلی، همچون عدالت، کرامت انسانی و احقاق حق، که از آیات و روایات و از حکم عقل حاصل شده‌اند، از مهم‌ترین مبانی امنیت قضایی به شمار می‌آیند، به این معنا که اصول ناظر بر تأمین امنیت قضایی، مبتنی بر آن مبانی بوده و مشروعیت خود را از آن کسب می‌کنند.

از این رو، با تحقیق در منابع فقهی و حقوقی، می‌توان مبانی امنیت قضایی را در موارد ذیل بیان کرد:

۱. ۴. عدالت

عدالت یکی از مستندات امنیت قضایی است، زیرا عدالت یکی از گزاره‌های است که خداوند در تمام ابعاد زندگی اجتماعی، از جمله در رسیدگی قضایی در جهت تأمین امنیت قضایی افراد، رعایت آن را در آیات متعدد، لازم شمرده است. از این رو، فقها در متون فقهی، عدالت را مبنا و روح تمام احکام و قوانین دانسته‌اند. (نائینی، ۱۴۲۴: ۱۰۱) پس در واقع یکی از مبانی امنیت قضایی، «عدالت» است، زیرا عقل سلیم نیز به عنوان یکی از منابع فقه اسلامی، حکم می‌کند که اگر قانون از حقوق مادی و معنوی افراد حفاظت ننماید زندگی اجتماعی، امکان‌پذیر نخواهد بود. (علامه جعفری، ۱۴۱۹: ۹۶) چنان که خداوند عدالت را اساس رسیدگی‌های قضایی دانسته (نساء: ۵۸) تا مردم از حق امنیت قضایی برخوردار شوند.

«عدالت» در اینجا در عین اینکه یکی از اهداف امنیت قضایی است، مبنای آن نیز محسوب می‌گردد، زیرا عدالت دارای جلوه‌های مختلف است، یعنی عدالت برحسب موضوع، گاهی وسیله و گاهی هدف و گاهی مبناست. عدالت از جهت اینکه مستند تحقق امنیت است، مبنای امنیت قضایی می‌باشد، اما از جهت اینکه نتیجه وجود امنیت قضایی، ایجاد عدالت در جامعه است، یکی از اهداف امنیت قضایی محسوب می‌گردد.

بنابراین، در تحقیق حاضر، مقصود از «مبنا»، مستند تحقق امنیت قضایی است. چنان که خداوند، در برخورد با تمام ابعاد زندگی بشر، دستور به اعتدال داده است (نحل: ۹۰).^۲ بر همین اساس، فقها، داوری عادلانه را از واجبات دانسته‌اند، زیرا امور دنیا و آخرت بر اساس عدل استوار است (قمی، ۱۳۶۸: ۱۲/۵۶۱)، زیرا

۱. «... وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ...».

۲. «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ...».

مبنای احکام اسلامی، مصالح و مفاسد واقعی است (مطهری، بی‌تا، ۲۱/۲۹۳) و خداوند طبق آن‌ها، احکام شرعی را مقرر فرموده است، چون که هدف شریعت، سعادت انسان است و این هدف با انجام اعمالی به دست می‌آید که مصلحت واقعی انسان را تأمین نماید.

در قرآن، مصلحت انسان، علت صدور احکام اعلام شده است (بقره: ۱۷۹).^۱ مثلاً اگر انسان در عمق مشروعیت کیفر قصاص تأمل کند، درمی‌یابد که تأمین امنیت شهروندان، نیازمند پیش‌بینی کیفرهای عادلانه در احکام کیفری است، پس، عدالت به عنوان یکی از گزاره‌های قرآنی، در تحقق امنیت قضایی، نقش مبنا را ایفا می‌کند، چه اینکه اگر امنیت قضایی بر مبنای عدالت، استوار باشد، آن‌گاه حقوق انسان، حفظ خواهد شد. بنابراین، قانونگذار، دستگاه قضایی و پیروان قانون، باید عدالت را مورد توجه قرار دهند، زیرا عدالت یک اصل زیر بنایی در وضع قوانین و اجرای آن بوده است. (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۳: ۳۲) از این رو طبق اصل ۶۱ قانون اساسی ایران، عدالت مبنای حق امنیت قضایی بوده و تلاش در جهت تحقق آن، لازم شمرده شده است، زیرا با دادرسی عادلانه، امنیت قضایی محقق خواهد شد.

۲. ۴. کرامت انسانی

یکی دیگر از گزاره‌های قرآنی، به عنوان مبنا و مستند امنیت قضایی، اصل کرامت انسانی است، زیرا حفظ این اصل باعث ممنوعیت هتک حرمت اشخاص می‌شود (قربان‌نیا، ۱۳۸۷: ۴۹)، چرا که طبیعت انسان مستحق کرامت است. کرامت در لغت مشتق از «کَرَم» به معنای عزت و شرافت (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۱۲/۵۱۱) و در اصطلاح، پاک بودن از آلودگی‌ها و برتری انسان بر سایر موجودات است. (قرشی، ۱۴۱۲: ۶/۱۰۳) در آیات قرآن، سخن از حفظ کرامت انسانی به میان آمده (اسراء: ۷۰)^۲ که شامل کلیه افراد آدمی است، ولی با توجه به استعدادهایی که در وجود آدمی نهفته است، در برخی آیات از کرامت افراد خاص و با امتیازات ویژه،

۱. «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ».

۲. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ».

مورد ستایش قرار گرفته و انسان با تقوا بر سایرین، برتری داده شده است (حجرات: / ۱۳).^۱

دقت در این آیات، ما را به این حقیقت رهنمون خواهد کرد که انسان از دو نوع کرامت برخوردار است؛ کرامت ذاتی تکوینی و کرامت اکتسابی ارزشی.

کرامت ذاتی انسان، شامل کلیه ابنای آدمی است، اما کرامت اکتسابی شامل افراد با تقوا می‌گردد. (جعفری، ۱۴۱۹: ۱۵۸) از این رو در متون فقهی، کرامت انسان‌ها محوریت دارد، در صورتی که انسان با اعمال ناپسند، کرامت انسانی را از بین نبرد. لذا در اصل ۲ قانون اساسی ایران، کرامت انسانی یکی از مبانی نظام جمهوری اسلامی دانسته شده و در ماده ۶۰ منشور حقوق شهروندی ایران، بر حفظ کرامت شهروندان، تأکید گردیده و همه مردم بدون هرگونه تبعیض، در اصل شرافت انسانی برابر دانسته شده است. به نظر می‌رسد که اشکال اساسی قوانین موضوعه در این مورد این است که کرامت انسانی را مطلق ذکر کرده و بیان نکرده که که کدام نوع کرامت مستند امنیت قضایی است. از مطالعه و بررسی آیات و متون فقهی به دست می‌آید که اصل کرامت انسانی از نوع اکتسابی آن، به عنوان مبانی امنیت قضایی، مطرح است، زیرا بشر به لحاظ جسمانیت خود هیچ فضل و برتری بر دیگر موجودات ندارد، بلکه به خاطر روح خدایی اوست که مستحق کرامت گردیده و لایق سجده فرشتگان شده است (حجر: ۲۹).^۲ پس قرآن و عقل، بر برتری انسان‌های با استعداد و با تقوا بر سایرین، حکم نموده و آن‌ها را شایسته کرامت می‌داند.

بنابراین به حکم آیات و نظرات فقیهان و حقوقدانان و به حکم عقل، حفظ کرامت و شرافت انسانی که روح خدایی در او زنده باشد، یکی از مبانی حق امنیت قضایی به شمار می‌آید.

۱. «... إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ».

۲. «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ».

۳. ۴. احقاق حق

یکی دیگر از گزاره‌های قرآنی و فقهی، حقوقی به عنوان مبنا و مستند امنیت قضایی، «احقاق حق» است. منظور از احقاق حق، دستیابی به حقیقت با ارائه شواهد و دلایل می‌باشد. (زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۳/۸۵)

احقاق حق به این معنا است که دستگاه قضایی، حقوق مادی و معنوی افرادی را که مورد تعدی قرار گرفته، از متجاوزین، استیفاء نموده و موجب حاکمیت قانون می‌گردد. این امر بدون برقراری یک تشکیلات قضایی، تحقق نمی‌یابد. (امام خمینی، ۱۴۲۳: ۳۴)

احقاق حق دو جهت دارد؛ یکی حقوق مادی مانند مال و جان که بخشی از حقوق انسانی است، و جهت دیگر، حقوق معنوی مانند ارزش‌های الهی است. (جمعی از محققان، ۱۴۲۸: ۲/۲۰۲)

بر اساس آیات قرآن، احقاق حق، یعنی به حق داوری کردن (انفال: ۷ و ۸)،^۱ زیرا خداوند از همه چیز آگاه است و حکمت الهی ایجاب می‌کند که حق را ثابت و باطل را نابود کند.

در فقه اسلامی، احقاق حق به معنای رسانیدن حق به مستحق (قرشی، ۱۴۱۲: ۶/۲۴۲) و ثابت کردن حق است. (بروجری، ۱۴۲۹: ۳۰/۳۵۷)

تحقق این امر بستگی به فهم درست قوانین و اجرای آن، توسط دستگاه قضا و رعایت آن توسط مردم دارد، زیرا احقاق حق، موجب تحقق حاکمیت قانون شده و در نتیجه امنیت قضایی ایجاد می‌گردد. از این رو، احقاق حق، از مهم‌ترین اولویت‌های دستگاه قضایی محسوب می‌گردد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰: ۱۸۷) چنان که پیامبر فرمود: «مردمی که ضعیف آن نتواند حق خویش را از قوی بگیرد، درخور ارزش نهادن نیستند». (نوری، ۱۴۰۸: ۱۳/۱۶۸) این حدیث از برخورد ناعادلانه و تبعیض‌آمیز در تأمین حقوق مردم، منع کرده است.

۱. «... وَ يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ... لِیُحِقَّ الْحَقَّ وَ يُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ».



قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۱۷۳، احقاق حق را از راهای قانونی، برای شهروندان به رسمیت شناخته است. در این راستا، وجود قوانین متناسب با جامعه، تفسیر صحیح از آن، توسط مجریان قانون و نظارت کامل بر اجرای آن، از مهم‌ترین عوامل اجرای احقاق حق در جامعه است که در نتیجه آن، امنیت قضایی تحقق پیدا کرده و حقوق مردم حفظ و احساس اطمینان نسبت به دستگاه قضایی ایجاد می‌گردد.

۵. چالش‌های ناظر بر امنیت قضایی

چالش‌های امنیت قضایی بر دو قسم عام و خاص بوده و ناظر بر عوامل درونی و بیرونی می‌باشند. منظور از چالش‌های خاص موانعی هستند که امنیت افراد را فقط در فرایند دادرسی به مشکل مواجه می‌سازد، اما مقصود از چالش‌های عام، موانعی هستند که امنیت افراد را پیش از دادرسی و حین دادرسی، آسیب رسانده و موجب اختلال در اصل حاکمیت قانون می‌گردند. منظور از حاکمیت قانون، قواعد و اصول کلی در حقوق عمومی است که به موجب آن تصمیمات حکومتی بر اساس اصول شناخته‌شده حقوقی گرفته می‌شود. بحث از قانون، چه به عنوان ابزار حکومت و چه به عنوان ابزاری برای کنترل حکومت، دغدغه مشترک صاحب‌نظران حوزه‌های فقهی، حقوقی و سیاسی بوده است.

در عمل، حاکمیت قانون بدان معنا است که هیچ فردی، چه رئیس‌جمهور و چه یک فرد عادی از قانون بالاتر نیست. حکومت‌های مردم‌سالار، قدرت را از طریق قانون به کار می‌بندند و خود ملزم به اطاعت از آن هستند، لذا قوانین باید در جهت تأمین حقوق مردم اعمال گردد، نه در جهت هوس زورگویان، مفسدان و ثروتمندان. بنابراین در این تحقیق، چالش‌های عام امنیت قضایی یعنی مجموعه از موانع سیاسی، اجتماعی، حقوقی و قضایی، مورد نظر است.

۱. ۵. چالش‌های سیاسی

منظور از چالش‌های سیاسی، مجموعه عواملی هستند که اصل حاکمیت قانون را مختل نموده و تحقق امنیت قضایی را با مانع روبه‌رو می‌سازند که مهم‌ترین موارد آن به شرح ذیل است.

۱. ۱. ۵. اعمال نفوذ اصحاب ثروت و قدرت

اعمال نفوذ اصحاب زر و زور، مانند دخالت نهادهای حکومتی و سیاسی در امور قضایی، یکی از عواملی است که امنیت قضایی را با چالش مواجه می‌سازد. (Fix and Kirk A, 2010: 1) این افراد با استفاده از نفوذی که در نهادهای حکومتی دارند و یا با تطمیع قضات، خواسته‌های خودشان را بر دستگاه قضایی تحمیل نموده و قضات را به سمت غیر قانونی سوق می‌دهند که در این صورت استقلال قضات مختل و در نتیجه امنیت قضایی شهروندان از بین خواهد رفت. امام علی علیه السلام در عهدنامه خود، مالک اشتر را به این نکته مهم توجه داده و می‌فرماید: «برای قضاوت، برترین شخص نزد خود را برگزین و سپس کارهای قضایی او را به دقت زیر نظر بگیر و نیازمندی قضات را رفع کن که هیچ کس به نفوذ در او طمع نکند». (نهج البلاغه، نامه ۵۳).^۱

بر این اساس، در فقه، اعمال نفوذ در دستگاه قضا ممنوع است، زیرا قاضی اگر تحت تأثیر افکار افراد دیگر قرار گرفته و حکمی را صادر کند، آن حکم باطل است. (محمود، ۱۴۱۷: ۱۰۵) پس، قضات باید به دور از هر نوع تهدید یا تطمیع بتوانند وظیفه خود را انجام دهند تا افراد از امنیت قضایی برخوردار شوند.

برخی پیشنهاد می‌دهند که در چنین مواردی کمیته قضایی مربوط به دادگاه‌ها تشکیل شود که ناظر بر عملکرد دستگاه‌های مختلف نظام کشور باشد (LorraineH, 2008: 7-11) تا درپرتو آن، امنیت قضایی شهروندان تأمین گردد.

۱. «ثُمَّ اخْتَرَ لِلْحُكْمِ بَيْنَ النَّاسِ أَفْضَلَ رَعِيَّتِكَ فِي نَفْسِكَ... ثُمَّ أَكْثَرَ تَعَاهُدَ قَضَائِهِ وَافْسَحَ لَهُ فِي الْبَدْلِ مَا يُزِيلُ عَلَيْهِ وَتَقَلُّ مَعَهُ حَاجَتُهُ إِلَى النَّاسِ وَاعْطِهِ مِنَ الْمُنْزِلِ لَدَيْكَ مَا لَا يُطْمَعُ فِيهِ غَيْرُهُ».



۲. ۱. ۵. فساد دولتی

مقصود از فساد دولتی، نقض قوانین در عالی‌ترین سطوح دستگاه سیاسی است. در این سطح از فساد، عمدتاً نخبگان سیاسی و کارمندان عالی‌رتبه دولت‌ها مرتکب آن می‌شوند (ربیعی، ۱۳۸۳: ۳۰) و کارکرد نهادهای دولتی از مسیر قانونی خارج شده و اصل حاکمیت قانون با چالش روبه‌رو می‌شود. در سطح پایین‌تر، فساد اداری مطرح است که در دستگاه‌های دولتی در حین اجرای وظایف، رخ می‌دهد که به آن فساد مالی سطح پایین اطلاق می‌شود که معمولاً کارمندان رده پایین مرتکب آن می‌شوند. (منصور نژاد، ۱۳۸۳: ۲۰۸) در هر حال فساد همیشه با تحریف قوانین همراه است که این امر معلول توسعه‌نیافتگی نظام‌های قضایی یک کشور می‌باشد، زیرا وقتی قانون بر تصمیم‌گیری‌های دولت مردان حاکم نباشد، جامعه دچار بی-نظمی شده و فساد گسترش می‌یابد. از این‌رو، در اصل ۳۶ قانون اساسی ایران، اصل حاکمیت قانون لازم شمرده شده است. مفهوم مخالف این ماده قانونی، عدم حاکمیت قانون است، لذا در ماده ۱۰ سند امنیت قضایی ایران به صراحت رسیدگی به فساد، از صلاحیت دستگاه قضا دانسته شده است. البته مبارزه با فساد در صورتی امکان‌پذیر است که قضات استقلال سیاسی و مالی داشته باشند. (کنوانسیون مبارزه با فساد ۲۰۰۳م: ماده ۱۱) بنابراین، فساد در تمام ابعادش، یکی از موانع جدی تحقق امنیت قضایی افراد محسوب می‌شود.

۲. ۵. چالش‌های حقوقی

چالش‌های حقوقی امنیت قضایی، همچون عدم تساوی در برابر قانون، عدم شفافیت و عدم جامعیت قوانین می‌باشند که زمینه قانون‌شکنی را فراهم می‌سازند. مصادیق چالش‌های حقوقی امنیت قضایی به شرح زیر است.

۱. ۲. ۵. قوانین تبعیض‌آمیز

یکی از مصادیق چالش‌های حقوقی امنیت قضایی، وجود قوانین تبعیض‌آمیز در حقوق کشورهاست. در حالی که در فقه، قضات مکلف به رعایت مصالح مردم

شده‌اند، زیرا احکام شریعت مبتنی بر مصالح انسان‌هاست. (محقق حلی، ۱۴۰۳: ۲۲۱)

لذا در بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی ۱۳۵۸ ایران، یکی از اهداف وضع قوانین، رفع تبعیض دانسته شده است. در اینجا ممکن است این شبهه مطرح شود، احکام متفاوتی که در اسلام، در مورد زنان و اقلیت‌های مذهبی وجود دارد، مخدوش‌کننده امنیت قضایی است. چه این خود فرصت‌های برابر بین انسان‌ها را در دسترسی به عدالت، سلب می‌کند. در پاسخ می‌توان گفت که بین عدالت کیفری و تساوی در برابر قانون، ملازمه‌ای وجود ندارد. مقتضای عدالت کیفری، تساوی همگان در برابر قانون است و نه تساوی همگان در احکام پیش‌بینی شده در قانون. در جهان‌بینی اسلامی همگان در مقابل قانون مساوی هستند و بین زن و مرد، و بین مسلمان و غیر مسلمان از حیث انسانیت هیچ تفاوتی وجود ندارد.

۲.۲.۵. عدم جامعیت قوانین

یکی دیگر از چالش‌های امنیت قضایی در حوزه حقوقی، عدم جامعیت قوانین است. این امر باعث می‌شود که در تصمیم‌گیری‌های مجریان قانون، اخلال ایجاد گردیده و تحقق امنیت قضایی مخدوش گردد، زیرا یکی از ویژگی‌های قانون خوب، جامعیت آن است. مقصود از جامعیت، این است که قانونگذار همه صورت‌های بحث را پیش‌بینی کند (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۳: ۵۹) و با سکوت یا فقدان و یا اجمال در قانون، زمینه‌های سوءاستفاده از قانون را برای مجریان آن فراهم نساخته و مانع تحقق امنیت قضایی افراد نگردد.

۲.۵. چالش‌های قضایی

چالش‌های قضایی ناظر به وجود موانعی در دستگاه قضایی است که در فرایند رسیدگی قضایی، اخلال ایجاد کرده و مانع تحقق امنیت قضایی افراد می‌گردند. آن موانع به شرح ذیل است:



۱. ۲. ۵. نبود دستگاه قضایی متناسب با نیازهای جامعه

یکی از چالش‌های امنیت قضایی، نبود دستگاه قضایی متناسب با نیازهای جامعه است، زیرا اگر دادگاه‌های مورد نیاز تأسیس نگردد، حاکمیت قانون مختل شده و رسیدگی قضایی به طول می‌انجامد که این امر مانع تحقق امنیت قضایی می‌شود. در اسلام، توسعه تشکیلات قضایی، یک امر ضروری دانسته شده است. اگرچه تا زمانی که پیغمبر اسلام ﷺ و اهل بیت آن حضرت حیات داشتند، دریافت و شناخت حکم الهی با مراجعه مستقیم به آن‌ها امکان‌پذیر بود، ولی پس از رحلت پیغمبر و یاران او، این امر چندان آسان نبود. چون از یک طرف با توسعه جامعه، روابط بین افراد دچار پیچیدگی‌های نوظهوری می‌شد و از طرفی امکان‌پذیر نبود که در هر مورد، آیات قرآنی یا سنت نبوی ناظر به همه جزئیاتی باشد که بعدها در دنیا به وجود خواهد آمد. لذا نیاز به وجود اندیشمندانی پیدا شد که بتوانند با دانش خود، احکام کلی را بر مصادیق انطباق دهند و از این طریق حکم هر قضیه‌ی را بیابند. (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۳/۵)

بر این اساس، در اصل ۱۵۸ قانون اساسی ایران، دستگاه قضا مؤظف به تشکیل محاکم مورد نیاز جامعه گردیده است تا قانون را به وجه صحیح اعمال نموده و مانعی در مسیر تحقق امنیت قضایی شهروندان ایجاد نگردد.

۲. ۲. ۵. عدم تخصص قضات

یکی دیگر از چالش‌های امنیت قضایی، عدم تخصص قضات در امر قضاوت است. لذا در فقه و حقوق، قضاوت افرادی که از تخصص لازم برخوردار نیستند اعتبار ندارد (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۰/۱۵)، چنان که امام علی علیه السلام خطاب به مالک اشتر فرمود: «برای داوری بین مردم بهترین قاضی را انتخاب کن». (نهج البلاغه، نامه ۵۳) منظور از بهترین قاضی، از حیث تقوا، علم و تخصص است. بر همین اساس، در اصل ۱۵۷ قانون اساسی ایران نیز تأکید بر تخصص قضات شده است.

۲.۳.۵. اطلاع دادرسی

یکی دیگر از چالش‌های امنیت قضایی، اطلاع دادرسی است. منظور از اطلاع دادرسی، مدت زمان نامتعارفی است که جهت رسیدگی به پرونده قضایی، وقت قضات خارج از حد معمول مصروف آن می‌گردد که این امر مانع تحقق امنیت قضایی می‌شود. امام علی علیه السلام در نامه‌ای به مالک اشتر فرمود: «وقتی قاضی حق را شناخت، در اجرای آن، درنگ نکند» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) از این رو، در فقه، طولانی کردن رسیدگی قضایی جواز ندارد. (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۶۱/۱۳)

در اصل ۳۲ قانون اساسی و در ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز در عین دقت، تسریع در رسیدگی قضایی لازم شمرده شده است.

۶. چالش‌های فرهنگی و اجتماعی

فرهنگ یک جامعه به معنایی مجموعه باورهایی است که در ذهن افراد شکل گرفته و بر اساس آن زندگی می‌کنند که از مهم‌ترین عوامل در حاکمیت قانون و یا گریز از قانون محسوب می‌شود. در حکومت‌های استبدادی، فرهنگ گریز از قانون، حاکم است که در اثر بی‌اعتمادی میان مردم و زمامداران، به وجود می‌آید. (عبدی، ۱۳۸۱: ۲۶۳)

در ادامه، مواردی از چالش‌های فرهنگی و اجتماعی امنیت قضایی، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۶.۱. نبود فرهنگ حاکمیت قانون

نبود فرهنگ حاکمیت قانون، یکی از عواملی است که بحران قانون شکنی را در جامعه تشدید می‌کند. این امر خود ناشی از این است که نهادهای ذی‌ربط، راجع به آگاهی بخشی به مردم در خصوص حاکمیت قانون، اقدامی نکرده‌اند. این امر باعث می‌شود که شهروندان نسبت به حقوق و تکالیف قانونی خود بی‌اطلاع باشند. عدم آگاهی شهروندان از حقوق خودشان و عدم حاکمیت قانون، سبب محرومیت از امنیت قضایی می‌گردد.





۶.۲. به فراموشی سپردن امر به معروف و نهی از منکر

به فراموشی سپردن امر به معروف و نهی از منکر، یکی از عواملی است که امنیت قضایی را با چالش روبه‌رو می‌سازد. به این بیان که فلسفه امر به معروف و نهی از منکر، قراردادن انسان در مسیر کمال است.

در نظام‌های حقوقی که همواره با کیفرهای بسیار ناگوار پشتیبانی شده‌اند، هنوز حقوق‌دانان این حقیقت را می‌پذیرند که اگر کیفرها برداشته شود و تبلیغات مناسب برای اجرای قوانین متروک شوند، افراد بشر یکدیگر را در میدان تنازع در بقا نابود می‌کنند (جعفری، ۱۴۱۹: ۲۳۷ و ۲۳۱) و در نتیجه امنیت قضایی افراد با تهدید مواجه خواهد شد، لذا در فقه، براساس آیات و حکم عقل، امر به معروف به جهت اصلاح مردم، و نهی از منکر، برای پیشگیری از بی‌عدالتی‌ها، واجب گردیده است. (همان: ۲۳۱)

قانونگذار ایران در اصل ۸ قانون اساسی، به امر به معروف و نهی از منکر تأکید نموده است. این اصل قانون اساسی مستند به این آیه ۷۱ سوره توبه است که می‌فرماید: «يَا مُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (توبه: ۷۱). بنابراین، امر به معروف و نهی از منکر، یکی از واجبات مسلم اسلامی است که به فراموشی سپردن آن باعث بروز فساد و بی‌عدالتی‌های دردناک و موجب مختل شدن اصل حاکمیت قانون، خواهد شد و در نتیجه، امنیت قضایی شهروندان را با مانع مواجه می‌سازد. حال باید بررسی کرد که در فقه و حقوق، چه راهکارهایی برای حل چالش‌های امنیت قضایی اندیشیده شده است.

۷. راهکارهای حل چالش‌های ناظر بر امنیت قضایی

برای آنکه شهروندان از حق امنیت قضایی برخوردار شوند، ضمانت اجرایی، در فقه و حقوق پیش‌بینی شده که در ذیل، مهم‌ترین آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

۱.۷. اهتمام به تحقق اصل حاکمیت قانون

برای اصل حاکمیت قانون، تعاریف مختلفی به کار رفته، قدر متیقن آن، این است که حاکمیت قانون یعنی وجود یک قانون بنیادین که در آن حقوق ملت و حدود اختیارات حکومت صریحاً معین شده و امور اجتماع بر اساس قانون استوار باشد که به موجب آن همه از قانون پیروی کنند (مؤتمنی، ۱۳۸۷: ۱۶) پس منظور از اصل حاکمیت قانون، این است که همه‌ی دست اندرکاران نظام و شهروندان، به قانون و حسن اجرای آن در جامعه مقید باشند.

در فقه، اصطلاح حاکمیت قانون به کار نرفته است، اما مفهوم آن، که وجوب عمل به قوانین است (شیرازی، ۱۴۲۷: ۵۷) به نحوی خاص از متون فقهی قابل استنباط است، زیرا یکی از کارکردهای احکام فقهی حمایت از حقوق شهروندان می‌باشد که عمل به آن‌ها، باعث تحقق امنیت قضایی می‌گردد.

اساساً وقتی در یک کشور از حاکمیت قانون، سخن به میان می‌آید که در محاکم آن کشور، دو امر مورد توجه قرارگیرد؛ اولاً احکام قضایی صادره باید بر مبنای دلیل باشد. ثانیاً دلایل باید مستند به مواد قانون باشند. با تحقق این دو امر، می‌توان از اصل حاکمیت قانون در نظام قضایی سخن گفت. قانونگذار ایران به پیروی از فقه، در بند ۳ اصل ۲۱ قانون اساسی، دستگاه قضایی را موظف نموده که در تمام جهات، دادگاه‌های صالح را ایجاد نماید، زیرا آنچه موجب ایجاد امنیت قضایی می‌گردد این است که دعوا از سوی دادگاه صالح و براساس قانون مورد رسیدگی قرار گیرد. به همین دلیل، در حقوق بسیاری از کشورها از جمله در اصل ۱۶۶ قانون اساسی ایران بر اصل حاکمیت قانون، تأکید شده است.

در توجیه مستدل بودن احکام می‌توان گفت که ذکر دلایل در دادنامه، موجب اطمینان خاطر اصحاب دعوا نسبت به صحت رسیدگی قضایی می‌گردد. طبعاً چنین عملکردی، امنیت قضایی شهروندان را به دنبال خواهد داشت.

بنابراین، اصل حاکمیت قانون یکی از مفاهیم بنیادین در حوزه حقوق، به عنوان ضامن حقوق فردی و اجتماعی شناخته شده است و به موجب آن، دولت نیز مانند





افراد باید تابع قانون باشد (بخشی، ۱۳۸۹: ۶۰۰)، زیرا حاکمیت قانون یکی از عوامل تأمین امنیت قضایی شهروندان است. از طرف دیگر، خود قانون نیز باید منطبق با موازین عادلانه باشد تا بستر تحقق امنیت قضایی فراهم گردد. بدین منظور با تمرکز بر متون فقهی و حقوقی، تلاش گردیده که مهم‌ترین آثار اصل حاکمیت قانون، به عنوان برخی از راهکارهای حل چالش‌های امنیت قضایی، مورد بررسی قرار گیرد.

۱.۱.۷. اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها

یکی از جلوه‌های اصل حاکمیت قانون، اصل قانونی بودن جرم و مجازات است. مفهوم این اصل این است که افراد تنها در برابر اعمالی مسئولیت دارد که در زمان ارتکاب آن، در قانون جرم‌انگاری شده باشد. قانونگذاران جهان، این اصل را در قوانین خود گنجانیده‌اند. فقیهان نیز در متون فقهی، با آوردن «قاعده قبح عقاب بلا بیان» بر این اصل صحه گذاشته‌اند. در مواد ۱۰ و ۵۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و در اصل ۳۶ قانون اساسی ایران، به بیان این اصل تصریح شده است. بنابراین، اصل حاکمیت قانون حامی مردم در قبال ظلم بوده (Fix, Michael P, 2010: 1) و موجب تحقق امنیت قضایی برای همه شهروندان می‌گردد.

۱.۱.۷. اصل تساوی در برابر قانون

اصل تساوی در برابر قانون، یکی دیگر از جلوه‌های اصل حاکمیت قانون می‌باشد. منظور از تساوی در برابر قانون این است که تمام افراد جامعه از نظر قوانین کشور با هم یکسان باشند، به طوری که قومیت و نژاد، موقعیت اجتماعی یا سیاسی تفاوتی ایجاد نکنند (یک‌رنگی، ۱۳۸۹: ۲۰۷)، چنان که در اسلام، اصل تساوی در برابر قانون، یک اصل حقوقی الزام‌آور است.

تساوی حقوقی زمانی بین افراد برقرار می‌شود که رابطه حق و تکلیف رابطه کاملاً مساویانه باشد. در این باره امام علی علیه السلام می‌فرماید: «حق به نفع کسی جریان نمی‌یابد، جز آنکه علیه او نیز جریان یابد و بر او جریان نمی‌یابد جز آنکه به نفع وی نیز اعمال شود». (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶)

بر همین اساس، بند ۱ از ماده ۱۹ اعلامیه حقوق بشر اسلامی و ماده ۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر، همه افراد جامعه را در برابر قانون مساوی دانسته است. در ماده ۲۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و در بند ۱۴ از اصل ۳ قانون اساسی ایران نیز به اصل تساوی همگان در برابر قانون، تأکید شده است، زیرا با حاکمیت این اصل، افراد جامعه از امنیت قضایی بهره‌مند می‌گردند.

۲.۲. وضع قوانین متناسب با اوضاع فرهنگی و اجتماعی

وضع قوانین متناسب با اوضاع اجتماعی، از نیازهای ضروری مردم به شمار می‌آید. از این رو، قوانین هر کشور باید هماهنگ با فرهنگ اجتماع، در جهت ایجاد امنیت قضایی وضع گردد. در متون فقهی این امر مورد توجه خاص قرار گرفته، زیرا احکام اسلامی بر اساس مصالح و مفاسد موجود در زندگی بشر است. (مطهری، بی‌تا: ۲۱/۲۹۳) احکام اسلامی بر دو نوع ثابت و متغیر است. بی‌شک احکامی داریم که همواره ثابت است، مانند وجوب نماز و مانند آن، ولی احکام دیگری داریم که با تغییر زمان و مکان، حکم به تبع آن تغییر می‌کند، زیرا همیشه، احکام تابع موضوعات است. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۲۱۶)

قوانین ثابت به احکام اولی و قوانین متغیر به احکام ثانوی تعبیر می‌شود. حکم اولی، حکمی است که شارع مقدس با توجه به مصالح و مفاسدی که در خود موضوع وجود دارد، آن را جعل می‌کند. حکم ثانوی؛ حکمی است با نظر به حالت خاص مکلف، شارع آن را جعل می‌کند (جمعی از مؤلفان، بی‌تا: ج ۲۸/۱۱۲) از این رو، در اصل ۴ قانون اساسی ایران وضع قوانین متناسب با فرهنگ اجتماعی در چارچوب موازین اسلامی، لازم شمرده شده است. لذا قانونی که با فرهنگ اجتماعی مغایرت داشته باشد، روح اطاعت از آن، در ذهن مردم شکل نمی‌گیرد، بلکه روحیه تمرد در جامعه به وجود می‌آید و بدین ترتیب قدرت اجرایی پیدا نمی‌کند. (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۳: ۶۲)

بنابراین، از نظر فقهی و حقوقی وضع قوانین متناسب با فرهنگ اجتماع، یکی از راهکارهای تحقق امنیت قضایی است.



۷.۳. اصل شفافیت در قانونگذاری و اجرای آن

شفافیت دو جهت دارد؛ جهت قانونگذاری و جهت اجرا. بدین معنا که قانونگذار و دستگاه قضا در وضع و اجرای قوانین، شفاف عمل نماید تا نسبت به عملکرد آن‌ها سوء ظن به وجود نیاید. مهم‌ترین آثار شفافیت در قانونگذاری و اجرای آن، از بین بردن زمینه فساد و ایجاد امنیت قضایی است. اصل ۱۶۵ قانون اساسی ایران، بیانگر شفافیت در حوزه اجرای قانون است، زیرا اصل شفافیت، تضمین آراء قضایی از نظر قابلیت فهم برای شهروندان است. (سند امنیت قضایی ایران ۱۳۹۹: ماده ۵) چنان که در فقه برای تحقق اصل شفافیت، علنی برگزارکردن محاکمه افراد، لازم شمرده شده است. (کاشف الغطاء، ۱۳۵۹: ۲/ ۱۹۰) بنابراین، شفافیت در قانونگذاری و اجرای آن یکی از تضمینات امنیت قضایی است.

۷.۴. نظارت بر عملکرد حکومت و دستگاه قضایی

نظارت بر دو نوع است؛ یکی عمومی و مردم نهاد مانند احزاب سیاسی، جامعه مدنی و مطبوعات و دیگری خودنظارتی دست‌اندرکاران دستگاه قضایی.

منظور از نظارت عمومی، مراقبت نهادهای ذی‌ربط حاکمیتی و نهادهای مردمی بر عملکرد دستگاه قضایی است. برای اینکه نهادهای اداری و قضایی مسئولیت‌پذیر باشند، قوانینی در این خصوص لازم است وضع گردد، لذا در برخی کشورها کمیته قضایی تشکیل شده، که ناظر بر عملکرد دستگاه‌های مختلف کشور است. (11-7: Lorraine H : 2008)

نظارت عمومی، باعث می‌شود که دست‌اندرکاران حکومتی سعی کنند تا بر اساس قوانین عمل کنند. در اصل ۱۷۴ قانون اساسی ایران نیز نظارت نهادهای مردمی را بر دستگاه قضایی لازم شمرده است. اما منظور از خودنظارتی قضات این است که قاضی عملکرد خود را مورد مراقبت قرار داده و در داوری‌ها از هواهای نفسانی دوری جسته و عدالت را مورد توجه قرار می‌دهند تا حقوق افراد تأمین گردد. در فقه، خودنظارتی از اهمیت خاصی برخوردار است. برخی از اندیشمندان در این خصوص می‌نویسند: «متصدیان امور هر کشور، همگی امین مردم هستند نه مالک،

لذا در قیام به وظیفه خود، باید نظارت درونی و برونی بر خود گمارند». (غروی، ۱۴۲۴: ۴۵-۴۷) تا امنیت قضایی شهروندان فراهم گردد. این امر در صورتی امکان‌پذیر است که عدالت در مجموعه دستگاه قضا حاکم باشد، چنان که در فقه، عدالت یکی از وظایف اساسی قضات شمرده شده است. (عثمان، ۱۴۱۵: ۱۵۲) لذا حاکمان جور، صلاحیت حکومت بر جامعه اسلامی را ندارند. (طباطبایی، ۱۴۲۹: ۹/۳۰) عادل بودن قاضی یکی از راه‌های خودنظارتی محسوب می‌شود، لذا در قانون اساسی ایران در اصل ۱۵۶ خودنظارتی دست‌اندرکاران دستگاه قضا یکی از راهکارهای تأمین امنیت قضایی شهروندان شمرده شده است.

۵.۷. قابل دسترس بودن محاکم

حق دسترسی به محاکم به این معناست که دستگاه قضایی هر کشور، محاکم مورد نیاز شهروندان را تأسیس کند تا هر شخص بتواند برای اثبات حق خود به یک محکمه مراجعه کند. حق دسترسی به دادگاه صرفاً مراجعه نیست، بلکه حق دسترسی به محاکم بدین معناست که بر اساس آن، حرف افراد شنیده شده و قضات به دادخواهی آن‌ها عادلانه رسیدگی نمایند تا آن‌ها از حق امنیت قضایی برخوردار گردند. چنان که در فقه، مراجعه به محکمه از حقوق مسلم افراد دانسته شده است (موسوی اردبیلی، ۱۴۳۴: ۱/۲۹)، زیرا قضاوت برای احقاق حقوق مردم یک امر لازم است.

در حقوق و اسناد بین‌المللی نیز دسترسی به محاکم از حقوق مسلم افراد شمرده شده است. چنان که در ماده ۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر و در اصل ۳۴ قانون اساسی ایران نیز دادخواهی حق مسلم هر فرد دانسته شده است. بنابراین، قابل دسترس بودن محاکم، یکی از تضمینات امنیت قضایی به شمار می‌رود.

۶.۷. حق مطالبه جبران خسارت

یکی دیگر از سازوکارهایی که در تحقق امنیت قضایی کمک می‌کند این است که در فقه، حق مطالبه جبران خسارت برای افرادی که متضرر شده‌اند، به رسمیت شناخته شده است. (محقق حلی، ۱۴۱۹: ۳/۵۱۱)

بر همین اساس، در قانون آیین دادرسی کیفری ایران (۱۳۹۲) تبصره ماده ۱۴۵، مسئولیت دولت نسبت به خسارات ناشی از بازداشت متهمان بی‌گناه، پذیرفته شده است. در ماده ۱۶ سند امنیت قضایی ایران، اصل جبران خسارت لازم شمرده شده است؛ پس در فقه و حقوق، در حق مطالبه جبران خسارت افراد، اتفاق نظر وجود دارد. مهم‌ترین دلایل وجوب جبران خسارت بنای عقلا و قاعده لاضرر است. بنابراین، حق مطالبه جبران خسارت یکی از تضمینات ناظر بر تأمین امنیت قضایی به شمار می‌رود، زیرا با جبران خسارت، شهروندان، نسبت به دستگاه قضایی، اطمینان خاطر پیدا نموده و در نتیجه از نعمت امنیت قضایی برخوردار خواهند شد.

۷.۷. سرعت در رسیدگی قضایی

در اسلام اجرای حدود و قصاص، سرعت رسیدگی به جرایم را افزایش می‌دهد و هر جانی بالقوه را به این فکر فرو می‌برد که عاقبت جنایت خود را باید در نظر بگیرد که با فاصله نه چندان طولانی به جنایت او رسیدگی می‌شود. برخورد سریع دادگاه‌ها با مجرمان، نقش بازدارنده‌ای در وقوع جرایم دارد و به کمتر کسی اجازه می‌دهد که درباره جنایت بر جان، آبرو، امنیت و اموال مردم توطئه کند. بر این اساس، در فقه، طولانی کردن رسیدگی قضایی جواز ندارد (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۶۱/۱۳)، زیرا تأخیر در امر دادرسی موجب اطاله دادرسی می‌گردد. از این رو، در اصل ۳۲ قانون اساسی ایران به سرعت در رسیدگی قضایی تأکید شده است. بنابراین، سرعت در دادرسی همراه با دقت اولاً باعث جلب اعتماد مردم نسبت به عملکرد دستگاه قضا می‌گردد. ثانیاً سبب می‌شود که از متراکم شدن پرونده‌ها جلوگیری به عمل آید. از این رو، سرعت در رسیدگی قضایی، یکی از تضمینات ناظر بر تأمین امنیت قضایی به شمار می‌آید.

نتیجه:

از مجموع مباحثی که در این پژوهش مطرح گردید می‌توان به نتایج زیر دست

یافت:

امنیت قضایی یکی از حقوق اساسی شهروندان است که از مجموع مقررات فقهی و حقوقی، قابل انتزاع می‌باشد، زیرا اولاً طبیعت احکام اسلام و حقوق موضوعه، برای تأمین مصالح انسان، وضع گردیده تا انسان رفتار خود را بر اساس آن تنظیم نموده و در تمام ابعاد زندگی خود کمال آرامش نسبت به تأمین حقوق خویش حاصل نماید. ثانیاً از تعبیر فقهی «داوری عادلانه و منصفانه»، معنایی تقریباً معادل یا نزدیک به «امنیت قضایی» استفاده می‌شود. منظور از امنیت قضایی، وضعیت و حالتی است که حیثیت، جان، مال و کلیه امور مادی و معنوی انسان در حمایت قانون و در صیانت قوه قضائیه باشد، به گونه‌ای که شهروندان نسبت به محفوظ بودن حقوق خودشان، اطمینان خاطر داشته باشند. امنیت قضایی بر مبنای عدالت، کرامت انسانی، احقاق حق، قابل تحقق است.

امنیت قضایی شهروندان با چالش‌های مختلفی از جمله چالش‌های سیاسی، یعنی دخالت دولت و افراد زورمند در امور قضایی، قانون‌شکنی و فساد اداری، چالش‌های حقوقی و قضایی مانند وجود قوانین تبعیض‌آمیز، اطاله دادرسی و عدم شفافیت در وضع و اجرای قوانین و چالش‌های فرهنگی مانند به فراموشی سپردن امر به معروف و نهی از منکر در جامعه و سلب اعتماد مردم نسبت به حاکمیت روبه‌رو است.

تحقیقات نشان می‌دهد که تضمینات و راهکارهایی از قبیل اصل حاکمیت قانون، اصل تفکیک قوا، اصل تساوی جرایم و مجازات‌ها، قابل دسترس بودم محاکم، استقلال قضایی، اصل شفافیت در قانونگذاری و اجرای آن برای حل چالش‌های فوق، از منظر فقه و حقوق وجود دارد. این راهکارها، از مهم‌ترین تضمینات ناظر بر تأمین امنیت قضایی شهروندان به شمار آمده است که توجه دستگاه قضایی به راهکارهای فوق، امنیت قضایی را برای شهروندان به ارمغان می‌آورد.



منابع و مأخذ:

قرآن کریم

نهج البلاغه

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۶)، «امنیت و ابعاد آن در قرآن»، فصل نامه علمی- پژوهشی مطالعات اسلامی.
- اردبیلی، احمد (۱۴۰۳)، مجمع الفائده و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- اسدی زاده، میثم (۱۳۸۹)، جایگاه عدالت قضایی در نظام حقوقی ایران و تطبیق آن با اسناد بین المللی، همایش ملی عدالت و سیاست، دانشگاه فردوسی مشهد.
- بحرانی، محمد سند (۱۴۲۶)، أسس النظام السياسي عند الإمامیه، قم: مکتبه فدک.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۱)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، چ ۲، تهران: گنج دانش.
- جمعی از محققان (۱۴۲۸)، جهاد در آینه روایات، قم: انتشارات زمزم.
- جمعی از مؤلفان (بی تا)، مجله فقه اهل بیت (فارسی)، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۰)، امنیت قضایی (مجموعه مقالات)، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- حاج زاده، هادی (۱۳۹۵)، «از امنیت قضایی تا عدالت ماهوی»، فصلنامه علمی، پژوهشی آفاق امنیت/ سال نهم.
- حاجی ده آبدی، احمد (۱۳۸۳)، بایسته های تقنین، تهران: پژوهشگاه فرهنگ اندیشه اسلامی.
- حاجی ده آبدی، محمد علی (۱۳۷۷)، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- خلخالی، سید محمد مهدی (۱۴۲۲)، حاکمیت در اسلام یا ولایت فقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- خمینی، سید روح الله (۱۴۲۳)، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.



- ربیعی، علی (۱۳۸۳)، *زنده باد فساد*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- زبیدی حنفی، محب‌الدین (۱۴۱۴)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت: دار الفکر.
- زنجانی، عباس (۱۴۲۱)، *فقه سیاسی*، چ ۴، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- سایت مرکز وکلای قوه قضائیه استان فارس، (۱۷ / ۳ / ۱۴۰۰) www.fkbarrister.ir
- شیخ صدوق قمی، محمد بن بابویه (۱۴۱۵)، *المقنع*، قم: مؤسسه امام هادی علیه السلام.
- طباطبایی، آقا حسین بروجرى (۱۴۲۹)، *منابع فقه شیعه*، تهران: فرهنگ سبز.
- عبدی، عباس و اسماعیل خلیلی (۱۳۸۱)، *معمای حاکمیت قانون در ایران*، ناشر: طرح نو.
- العتیبی، سعود (۱۴۲۷)، *الموسوعه الجنائیه الإسلامیه المقارنه بالأنظمة السعودیة: الرياض*.
- عثمان، محمد رأفت (۱۴۱۵ق)، *النظام القضائى فى الفقه الإسلامى*، الناشر: دار البیان.
- علامه جعفری، محمد تقی تبریزی (۱۴۱۹)، *رسائل فقهی*، تهران: مؤسسه منشورات کرامت.
- علینقی، امیر حسین (۱۳۷۹)، *امنیت قضایی*، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سوم.
- عویسیان، التیمی (بی‌تا)، *موسوعه المفاهیم الإسلامیه العامه أعدده للشامله*، مصر: المجلس الأعلى للشتون الإسلامیه.
- غروی نائینی، میرزا محمد حسین (۱۴۲۴)، *تنبيه الأمه و تنزيه المله*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- فراهیدی، خلیل (۱۴۱۰ق)، *کتاب العین*، چ ۲، قم: نشر هجرت.
- فیاض کابلی، محمد اسحاق (بی‌تا)، *منهاج الصالحین*، [بی‌جا]: [بی‌نا].
- قربان‌نیا، ناصر (۱۳۸۷)، *حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲)، *قاموس قرآن*، چ ۶، تهران: دارالکتب الإسلامیه.



- قمی، محمد (۱۳۶۸)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: [بی‌نا].
- کاشف الغطاء، محمد حسین نجفی (۱۳۵۹ق)، تحریر المعجله، نجف اشرف: المكتبه المرتضویه.
- کاظمی، محسن (۱۳۹۶)، «درنگی در مفهوم احساس عدالت قضایی»، فصلنامه علمی، پژوهشی حقوق اسلامی، س ۱۴، ش ۵۴.
- محقق حلی، نجم الدین (۱۴۰۳)، الاجتهاد و التقليد، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
 - محقق حلی، نجم الدین (۱۴۱۹) قواعد الاحکام، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
 - محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶)، قواعد فقه، ج ۱۲، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- محمد معین (۱۳۸۷)، فرهنگ فارسی معین، تهران: انتشارات فرهنگ‌ناما.
 - محمود، بن اسماعیل (۱۴۱۷)، الدرر الغراء فی نصیحة السلاطین و القضاة و الأمراء، الرياض: مكتبة نزار مصطفى.
- مطهری، شهید مرتضی (بی‌تا)، فقه و حقوق (مجموعه آثار)، قم: صدرا.
 - مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷)، دائرة المعارف فقه مقارن، قم: انتشارات مدرسه امام علی (ع).
- منتظری، حسین علی (۱۴۲۹)، مجازات‌های اسلامی و حقوق بشر، قم: ارغوان دانش.
- منصور نژاد، محمد (۱۳۸۳)، «فساد اداری و امنیت اجتماعی»، فرهنگ اندیشه، س ۳، ش ۱۱.
- مؤتمنی طباطبایی، منوچهر (۱۳۸۷)، حقوق اداری تطبیقی، ج ۲، تهران: سمت.
- موسوی اردبیلی، سید عبد الکریم (۱۴۳۴)، فقه القضاء، ج ۳، قم: مؤسسه النشر لجامعه المفید.
- نائینی، میرزا محمد حسین غروی (۱۴۲۴)، تنبیه الامه و تزئیه المله، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی،
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام، ج ۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نوری، حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: [بی‌نا].

- یکرنگی، محمد (۱۳۸۹)، جرایم علیه اجرای عدالت قضایی، تهران: خرسندی.

- قوانین و اسناد

- اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸م)

- اعلامیه حقوق بشر اسلامی (۱۹۹۰م)

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸)

- قانون آیین دادرسی کیفری ایران (۱۳۹۲)

- قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۲)

- سند امنیت قضایی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۹)

- کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد (۲۰۰۳م)

- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، (۱۹۶۶م)

- Fix, Michael P. and Randazzo, Kirk A. Department of Political Science, University of South Carolina, Columbia, SC, 'Judicial Deference and National Security: Applications of the Political Question and Act of State Doctrines', Democracy and Security, Volume 6. 2010.

- See <https://www.everycrsreport.com/> Lorraine H: Judicial Security: Responsibilities and Current Issues/ Updated April 7, 2008.

- Al-Mantari Leners, Oxford Culture, Tehran: Alborz Publishing, Fifteenth Edition, 2003.

- Lorraine H. Tong, Analyst in American National Government, Government and Finance Division, Judicial Security: Responsibilities and Current Issues Updated April 7, 2008.

- A group of graduates of the National Judicial College, Judiciary Security, Poll report Analysis of security measures, 2014.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی